

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

پس منظر جاه طلبی‌های صلح خواهانه آسیب‌های حاکمیت‌های مستبد و غیرمردمی و معضل گسست اجتماعی محاسبه‌عددی و عناصر نفاق داخلی در جغرافیای خشونت و بنیادگرایی

خرافات یا نابود کننده روح زندگی در انسان‌ها و بحران فضایل
شعارهای دینی و مذهبی و اما عملکردها بگونه قومی و نژادی
سنت گرایی شرقی و روند توسعه جامعه افغانی
افغانستان: جهانی بدون صلح

برخی از اصلی‌ترین شاخصها بمنظور ارزیابی "صلح" عبارتند از: سنجش تداوم جنگ و درگیری در سطوح داخلی و بین‌المللی، سنجش امنیت در کشورها، سنجش نظامی‌گری، دموکراسی و شفافیت، آموزش، فرهنگ، رفاه اقتصادی و... ۰ مؤسسه اقتصاد و صلح از سال ۲۰۰۷ ترسایبی، گزارش سالانه "شاخص‌های جهانی صلح" را نشر می‌کند. این گزارش شامل وضع کشورها و مناطقی مختلف جهان از نظر برخورداری از صلح و امنیت می‌باشد. مؤسسه اقتصاد و صلح هدف خود را "شناخت رابطه میان صلح، فعالیت اقتصادی و رفاه همگانی و پیشبرد تفاهم فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بمنظور کمک به صلح و امنیت در جهان" اعلام کرده است. این نهاد در گزارش دیگری وضع کشورهای جهان از نظر درگیری با تروریسم را بررسی کرده و ۱۰ کشوری که بیشترین آسیب را از اقدامات و حوادث تروریستی دیده‌اند، معرفی نموده است. طبق گزارش "شاخص جهانی تروریسم" در سال ۲۰۱۶، جهان ده درصد کمتر از سال ۲۰۱۵ شاهد اقدامات و حملات تروریستی بوده و کم از کم از این نظر، امن‌تر از گذشته است. تروریسم "خشونت غیرقانونی توسط بازیگران غیردولتی است که برای ارباب یا اجبار دیگران یا بمنظور دستیابی با اهداف سیاسی، اقتصادی، مذهبی یا اجتماعی طراحی شده است"، تعریف می‌گردد. بیش از ۷۲ درصد مرگ و میرها در سال ۲۰۱۵ در پنج کشور جهان رخ داده است. گرچه ۲۷۴ گروه شناخته شده در نقاط مختلف جهان، با اقدامات تروریستی متوسل گردیده‌اند، اما تنها چهار گروه داعش، بوکو حرام، "طالب"ها و "القاعده" مسؤل ۷۴ درصد از کُل مرگ و میرها بوده‌اند.

در امتداد هفته پشین، چگونگی واکنش رئیس جمهوری کشور در قبال نامه هشدار آمیز وزیر امور خارجه ایالات متحده و نوع موضعگیری "طالب"ها در قبال برنامه جدید صلح پیشنهادی واشنگتن، بیش از همه خبرساز شد. ایالات متحده با افزایش فشار بر کابل بوده و دیپلمات‌ها هم دوکنفرانس، یکی در مسکو و دیگری هم در ستانبول را به هدف جلوگیری از تقابل و رویارویی اهداف روسیه و ایالات متحده در مورد کشور عزیز ما افغانستان راه اندازی نمودند تا مذاکرات صلح میان افغانی که همین اکنون هم به سختی نفس میکشد، آسبیبی وارد نگردد. در اینجایادآوری این مسأله مهم بنظر می‌رسد که نامه ارسالی وزیر امور خارجه ایالات متحده عنوانی اشرف غنی، دولت افغانستان را به پذیرفتن فوری طرح پیشنهادی صلح اداره واشنگتن در مورد حل و فصل قضایای کشور ما ملزم می‌نماید. همچنان بخاطر می‌آوریم که در متن نامه ارسالی که چند روز قبل از بازدید نماینده ویژه ایالات متحده برای کشور ما از منطقه، فرستاده شد، تذکر بعمل آمده بود که نماینده ویژه کشورش، حامل نامه پیشنهادی صلح واشنگتن برای رهبری دولت افغانستان می‌باشد که از جمله مسایل متذکره در نامه، یکی هم ایجاد و تشکیل حکومت مؤقت و کاهش تنش در جریان مدت زمان ۹۰ روز که در نتیجه به قطع کامل آتش بیانجامد، می‌باشد. برنامه همچنان یادآوری بعمل آمده که در اواسط ماه مارچ (اما اکنون در اواسط ماه اپریل) کنفرانس بین‌المللی در کشور ترکیه آنها تحت نظر سازمان ملل گشایش خواهد یافت. برنامه امریکایی، در بر

گیرنده تشکیل و ایجاد حکومت مؤقت با حفظ سیستم سیاسی کنونی کشور اما با تغییرات اندکی در نظر گرفته شده، بگونه نمونه: عده ای از نماینده های "طالب" ها عضویت پارلمان کشور را حاصل نموده، تشکیل شورای عالی فقه اسلامی با پیروی از موازین اسلامی در دستور روز قرار داده شده و کمیته ای هم بمنظور تدوین قانون اساسی جدید کشور ایجاد می شود. پس از تکمیل کار و اكمال وظایف و فعالیت های حکومت مؤقت، انتخابات بهدفع ایجاد و تشکیل دولت جدید در کشور راه اندازی خواهد شد.

قابل یاددانی پنداشته میشود که نخست و قبل از دیگران، این امرالله صالح بود که درقبال نامه ارسالی یادشده، واکنش نشان داد. نامبرده اظهار نمود که دولت موضعگیری اش را درقبال تلاش ها بمنظور آشتی تغییر نمی دهد. نامبرده هشدار داده افزود که سازش با "طالب" ها بویژه در مورد قانون اساسی و حقوق اساسی شهروندان کشور، اصلن مطرح بحث نمی باشد.

رئیس شورای عالی مصالحه کشور نیز نامه یادشده را دریافت نموده و اما بگونه محتاطانه ای اظهار نمود که که در نامه فرستاده شده، مسایل مهمی مطرح بحث قرار داده شده است. اما یادآور شد که وی دوست ندارد تا بیشتر از این در مورد نامه یادشده تبصره نماید. با اینهمه، واکنش نامبرده بیشتر در مورد حمایت از طرح امریکا می محسوب می گردد. در واقع، در امتداد ماه مارچ سال روان، معاون شورای متذکره ای ادآور شد که رهبری شورای عالی مصالحه، سه عنصر عمده و اساسی را مورد بحث قرار می دهد که قرار است بر بنیاد آن ها آینده کشور مایی ریزی گردد که بگونه عمده، در برگیرنده ساختار دولت انتقالی و نقشه راه، قطع آتش و درگیری های مسلحانه می باشد. نامبرده همچنان یادآور شد که امیدوار است تا در آینده نزدیک، با موضعگیری واحدی درقبال طرح امریکایی با وارد نمودن برخی اصلاحات در آن، موضعگیری شورای عالی مصالحه در مورد اعلام گردد.

قابل یاددانی پنداشته می شود که نامه وزیر خارجه ایالات متحده، واکنش های معینی را ببار آورد. عده ای نیز متوجه شدند که نامه یادشده از لحاظ صوری و شکلی از موجودیت نارسایی هایی شدید رنج برده و همچنان ن عدم مؤثریت نامه های اینچنینی را خاطر نشان نمودند. از جمله نکات ضعف نامه یادشده، یکی هم برسمیت نشناختن ساختار کنونی افغانستان بوده و بنظر می رسد که از زبان اجبار و جبر استفاده بعمل آمده کاین خود، بجایی نمیرسد. چه، همه باید بدانند کانجام خشونت و شکل گیری صلح اجباری در کشور غیر ممکن می باشد. جانب دولت افغانستان چنین ادعا می ورزد، زمانی که آنها از پیوستن "طالب" ها بدولت سخن میاورند، می خواهند این واقعیت را توضیح دهند که جانب دولت از خود دارای سیستمی بوده، قوت های مسلح دارد، حقوق بشر رعایت گردیده و کشور دارای پارلمان و قانون اساسی می باشد، بنابراین، هیچ دلیلی بمشاهده نمی رسد تا جانب دولت به "طالب" ها بپیوندد.

قابل یاددانی پنداشته می شود که شماری از اعضای دولت افغانستان، درقبال برنامه صلح خلیل زاد واکنش نشان داده و از جمله یادآور شدند که برنامه یادشده باصلاحاتی ضرورت داشته که نباید بگونه فوری و بدون بررسی دقیق رد شود، در غیر آن، اقدام مخالف آن بمثابة دعوت به جنگ محسوب می گردد که بهیچوجه به نفع شهروندان کشور نخواهد بود. اما بخاطر باید داشت که بدون بحث و گفتگو پیرامون موارد مطرح گردیده در برنامه یادشده و بدون دستیابی باصول اساسی و عمده در مورد، شعله های جنگ و درگیری های مسلحانه مجدد در کشور زبانه خواهد کشید.

بسیاری از سیاستمداران بگونه محتاطانه ای درباره برنامه صلح یادشده ابراز نظر نمودند. آنها همچنان بر این مسأله تأکید بعمل آوردند که در مجموعه برنامه صلح، باید سهمگیری کلیه جوانب مطرح در نظر گرفته شده و از فرصت های بدست آمده، نیز استفاده وسیعی بعمل آید. نباید به قطع آتش بگونه سمبولیک آن و یا به تداوم درگیری بمنظور کسب غیرقانونی قدرت مبادرت ورزند. پروسه صلح در کشور عزیز ما باید تضمین بین المللی و تضمین کشور های منطقه را با خود داشته باشد. در شرایط کنونی کشور ما بیش از هر زمان دیگر، اصل وفاق و اجماع ملی ضرورت مبرم و جدی پنداشته می شود. برآستی، اداره جدید و اشنگتن تاکنون در مورد تاریخ قطعی فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان سخنی بمیان نیآورده است. وزیر خارجه ایالات متحده در نامه ارسالی اش عنوانی غنی تصریح نموده است که تا کنون هم تاریخ اول ماه می، موعد فراخواندن نظامیان خارجی از افغانستان می باشد که چه در ایالات متحده و چه در کشورهای عضو پیمان ناتو بمثابة یکی از جمله گزینیه ها محسوب می گردد، اما همه باین امر موافق می باشند که فراخواندن نظامیان خارجی از کشور ما نباید

سبب ساز ایجاد بی نظمی و هرج و مرج در کشور گردد. همچنان یادآوری بعمل می آید که چنین فراخواندن نظامیان و خروج آنها از اراضی متعلق به کشور ما باید بازگشتی باشد مسؤلاًنه. چه، "طالب"ها بگونه مکرر هشدار داده اند که اگر نظامیان خارجی الی تاریخ اول ماه می سال روان، اراضی افغانستان را ترک ننمایند، بحملات شان علیه قوت های خارجی آغاز خواهند نمود. اما در مورد، چنین ابراز امیدواری گردیده است که می توان "طالب"ها را به پذیرش حضور ایالات متحده (البته با اندکی تفاوت) در افغانستان صلح آمیز متقاعد نمود.

در اینجا این پرسش میان می آید که آیا "طالب"ها با برنامه صلح خلیل زاد موافق خواهند بود و یا خواهان تغییراتی در برنامه یادشده می باشند؟ اما آنها تاکنون هم بگونه رسمی در مورد پیشنهاد یادشده ایالات متحده اظهار نظری ننموده اند. بگمان اغلب که در چنین صورتی و در چنین حال واحوالی، به رد آن مبادرت بعمل نیآورند. بر بنیاد اطلاعات مؤثق، "طالب"ها در حال انجام بحث های داخلی در مورد طرح یادشده می باشند. بر بنیاد اظهارات ملا عبدالسلام ضعیف که در زمان حاکمیت "طالب"ها، در اسلام آباد بمثابه سفیر ایفای وظیفه می نمود، در وضعیت کنونی، "طالب"ها و امریکایی ها در مورد برنامه کاهش تنش، رهایی زندانیان "طالب"ها و خارج نمودن اسمای رهبران آنها از فهرست تحریم های شورای امنیت سازمان ملل با هم کار می نمایند. اما در وضعیت کنونی، غنی بدنبال متحدان بوده و در مورد برنامه پیشنهادی یادشده، هیچ نوع اعلامیه ای به نشر نسپردند. اما اولتیماتوم بلینکن، بیش از هر زمان دیگر زمینه های وارد نمودن فشار بر ارگ را فراهم نموده که از جمله می توان از تنظیم چارچوب های محدود زمانی بمنظور تصمیمگیری در مورد را نام برد، در اینجا سخن از آمادگی های تدویر کنفرانس ترکیه مطرح بحث میباشد که در چنین وضعیتی، رئیس جمهور کشور ناگزیر گردید تا با به تقویت اردوگاهش و نگهداشتن و حفظ سیاستمداران در موضع منحصر بفردش تمرکز نماید.

در امتداد هفته پشین، در کاخ ریاست جمهوری، اشرف غنی با نخبگان کشور بمنظور جستجوی راهی نایل گردیدن باجماع و وفاق ملی، ملاقات نمود. اگر قبیلن غنی با بیشترین عده آنها در رویارویی و تقابل قرار گرفت، در شرایط و وضعیت کنونی، بررسی و مطالعه وسایل نیل به سازش در اولویت های کاری اشرف غنی قرار گرفت، بویژه که وزیر خارجه ایالات متحده طی نامه اش به غنی اشاره نموده که پارچه پارچه شدن نخبگان سیاسی و اختلاف نظرهای جدی سبب شکل گیری موضع قابل درک در مذاکرات پیشرو خواهد گردید.

در اواسط آخرین ماه سال پشین، رئیس جمهور کشور، مارشال دوستم را بمنظور ملاقات در ارگ پذیرفت، در این ملاقات، مشاور رئیس جمهور کشور نیز حضور داشت. منابع گزارش دادند که صحبت در مورد وضعیت نظامی - سیاسی در شمال کشور و در مورد پروسه صلح و دستاوردهای تفاهم سیاسی متمرکز بود. پس از آن، غنی رهبران سیاسی عمده و کلیدی را بمنظور بررسی و مطالعه برنامه صلح پیشنهادی از جانب ایالات متحده، نزدش فراخواند. بر بنیاد گزارش های به نشر رسیده، غنی در نظر دارد تا طرح جدید صلح جمهوری اسلامی افغانستان را با خود به کنفرانس ترکیه ببرد.

خودی ها چنین می پندارند که غنی در مواجهه با برنامه پیشنهادی واشنگتن، واکنش نشان داد. ببینید، اگر "طالب"ها، طرح یادشده را بپذیرند، بمفهوم آن می باشد که آنها در صدد امتیازگیری می باشند. بخاطرمی آوریم که بویژه عدم آمادگی "طالب"ها در مورد چگونگی پذیرش طرح پیشنهادی یادشده، اسباب نگرانی و عدم رضایت آنها را فراهم خواهد نمود. اما نباید فراموش نمود کاین "طالب"ها اند که بگونه مکرر از حاضر شدن در میز مذاکره ابا ورزیده اند. اما چنین تصور می گردید که غنی می توانست خواهان اصلاح طرح یادشده گردیده اما ممکن چنین اقدامی اصلن مورد تائید و پذیرش "طالب"ها قرار نمی گرفت. بگونه نمونه، نا مبرده الی انتخابات بعدی ریاست جمهوری باید در رأس قدرت قرار داشته باشد. یکی از خودی های مصاحبه شونده اظهار نمود که بمنظور تحقق چنین اصلاحاتی، باجماع سیاسی نیاز احساس میشود. اما چنین وضعیتی، بگونه ای طرح جدید پیشنهادی واشنگتن را با بن بست مواجه خواهد نمود، چه موافقت "طالب"ها با آن بعید بنظر می رسد.

برای غنی گزینه های بیشتری بمنظور انجام مانور اصلن وجود ندارد. اگر "طالب"ها با قطع کامل آتش و یا خودداری از انجام خشونت مبادرت ورزیده و در عوض، ایجاد و تشکل حکومت بیطرف انتقالی مطرح بحث قرار می گرفت، بنابراین، غنی ناگزیر به پذیرش برنامه طرح شده واشنگتن می گردید.

همچنان بلینکن در نامه اش باین مسأله اشاره نموده از آنجاییکه کابل قادر به کنترل و نظارت وضعیت کشور

نمی باشد، با نادیده گرفتن برنامه پیشنهادی درباره کاهش ۹۰ روزه خشونت و از سرگرفتن حملات بهاری "طالب"ها، قوت های مسلح افغانستان در قبال حملات یادشده بگونه مستقلانه قادر به مقاومت نخواهد بود و چنین وضعیتی سبب می گردد تا مخالفان مسلح موفق به گسترش ساحه نفوذ شان گردند. همچنان جان سپکو یادآور شد که دولت در برابر تهدیدها سینه به سینه ایستاده است. چه، یک سال پس از حصول توافق دوحه، در وضعیت امنیتی کشور بهبودی قابل ملاحظه ای مشاهده نگردیده، حملات مخالفان مسلح افزایش حاصل نموده فعالان اجتماعی، خبرنگاران، افراد و اشخاص دولتی، کارکنان بخش های کمک های بشردوستانه و... نیز بقتل رسیدند. در امتداد زمستان سال پار، در حالی که مذاکرات و گفتگوهای صلح جریان داشت، این "طالب"ها بودند که حملات مسلحانه ای را در کندهار انجام دادند. گفتگوهای صلح میان افغانی نتیجه ملموسی ببار نیآورد و جابرجا متوقف گردید. آیا ابتکارات طرح شده در نامه ارسالی وزیر خارجه ایالات متحده به اشرف غنی نتایج ثمربخشی بدنبال خواهد داشت؟ جریان بعدی حوادث و چگونگی انکشاف و پیشرفت پروسه صلح آغاز شده در کشور به پرسش های مطرح شده، پاسخ ارائه خواهد نمود.

همچنان، یادآوری هایی در زمینه ضرورت اشد وجدی افغانستان به کمک ها و معاونت های بین المللی صورت گرفته و خاطر نشان گردید که ایالات متحده بمنظور احیای اقتصاد کشور، در مجموعه حاکمیت آینده افغانستان در جستجوی شریک مطمئن می باشد. این مسأله قابل تذکار پنداسته میشود که مبلغ مجموعی وعده داده شده الی سال ۲۰۲۴ در کنفرانس ماه نوامبر توسط کشورهای دونر، بویژه در بخش خدمات ملکی شهروندان کشور اندکتر از ۱۵ درصد مبلغ وعده داده شده چهار سال قبل پیشبینی گردیده است. در چنین وضعیتی، دولت بمنظور بقایش الی سال ۲۰۲۴ به ۶,۹ میلیارد دالر ضرورت خواهد داشت. بدون کمک و معاونت متواتر و پیهم کشورهای دونر، مسأله هست و بود حاکمیت سیاسی کشور مطرح بحث میباشد. اما اهداکنندگان، بایست از اهرم های فشار لازم بدولت بمنظور انجام تعهداتش بویژه در زمینه حمایت از حقوق زنان نیز استفاده بهینه ای بعمل آورد.

رئیس فرماندهی مرکزی قوت های مسلح ایالات متحده در جریان دیدارش با اشرف غنی اظهار نمود که وضعیت امنیتی کشور و همچنان کمکهای ایالات متحده را مورد بررسی قرار داده و بر بنیاد اخبار بنشر رسیده، ممکن سفر یادشده، به هدف وارد نمودن نوعی فشار بدولت جمهوری اسلامی افغانستان مبنی بر اقدامات و کنش های دولت بمنظور دفاع و صیانت از شهرهای کشور انجام گردد، چه اگر در امتداد دوماه بعدی، اقدامات دیپلوماتیک دولت بایند به نتیجه دلخواه منتج نگردد، ایالات متحده نظامیان را از سرزمین و اراضی کشور ما فرا خواهد خواند و همچنان در اینمورد بهیچگونه معامله ای با "طالب"ها تن نخواهد داد.

اعلامیه های مکینزی و سپکو در عرصه حکومتداری در کشور ما، واقعیت ضعف دولت را به تصویر می کشد. در عین روز نشر اعلامیه های یادشده، وسایل اطلاعات جمعی، اخباری را مبنی بر تسلط "طالب"ها بر مناطقی از ولسوالی المار و ولایت فاریاب در اختیار همگان قرار دادند. مطابق آمار ارائه شده توسط برخی از منابع بتعداد ۴۰ تن از نظامیان افغان تحت محاصره "طالب"ها قرار گرفتند.

در مورد کنفرانس های مسکو و ستانبول بایست یادآور شد که به پیشنهاد بلینکن، باید کنفرانس بعدی در مورد کشور ما در ترکیه و تحت نظر سازمان ملل گشایش یابد. بسیاری از کارشناسان امور مربوط یادآور می شوند که اگر قرار بود این کنفرانس در مورد تضمین های بین المللی به دولت افغانستان و "طالب"ها اطمینان داده شود، این بمفهوم آن خواهد بود که طرح صلح خلیل زاد که بنازگی درباره منطقه تعریف شده است، هنوز مورد بحث و گفتگو قرار داشته و اما بگمان اغلب چنین بنظرمی رسد که در مورد کلیات طرح یادشده توافق همه جانبه ای بعمل آمده است.

با این حال، رفتار و چگونگی عملکرد هیأت ها در مذاکرات دوحه به بن بست رسیده و بمفهوم بررسی طرح پیشنهادی خلیل زاد بوده که پس از بحث و جدال در مورد آن، بحصول توافق در زمینه موفق گردیدند.

ظاهر و آشنگتن بمنظور تحت فشار قرار دادن دولت افغانستان و "طالب"ها و از بین بردن محور مذاکرات میان افغانی در دوحه، به تعیین تاریخ مشخص نیاز احساس می نمود که در نوع خویش، بازگویی ناتوانی طرف ها در نایل گردیدن به توافق بدون واسطه شمرده می شود. و آشنگتن، طرحی را بمنظور شامل ساختن بازیکنان بین المللی بخاطر حل و فصل قضایای مربوط به کشور ما تحت نظارت سازمان ملل رویدست گرفت. بخاطر می آوریم کنفرانس بن را که در سال ۲۰۰۱ گشایش یافته و در مورد تشکیلات و صلاحیت های اداره مؤقت

تصامیم معینی اتخاذ نمود.

در امتداد هفته پسین، با انجام اقدامات و فعالیت های فشرده دیپلوماتیک، جانب ترکیه توافق و تفاهمش را بمنظور راه اندازی کنفرانس یادشده ابراز نمود. سازمان ملل نیز آمادگی اش بمنظور ارائه مساعدت و کمک بخاطر دستیابی به صلح را بطرف های شرکت کننده در کارکنفرانس، اعلام نمود. همچنان نماینده سازمان ملل با صراحت اظهار نمود که در مجموعه برنامه های جامعه بین المللی، حرکت های مثبتی را بمنظور هماهنگی معاونت ها و ارائه کمک ها در راه حصول و دستیابی به صلح و سلم بنفع شهروندان افغانستان را احساس می نمایم. جانب های افغانی درگیر قضایا، بگونه جدی به بررسی حال و احوال برنامه یادشده مبادرت ورزیده، اصلاحات لازم را تدوین و به تعریف مواضع طرف ها و توزیع مجدد قدرت و سازش های قابل قبول نیز با اقداماتی متوسل گردیدند.

می توان گفت که بهمین دلیل، تاریخ تدویر کنفرانس در ستانبول به تعویق افتاد. وزیر امور خارجه ترکیه اعلام نمود که ملاقات و گفتگوهای مورد نظر، از ماه مارچ به ماه اپریل سال روان به عقب انداخته شد. نامبرده همچنان یادآور شد که طرفهای شرکت کننده مذاکرات به ترکیه اعتماد داشته و انقره نیز بزودی نماینده ویژه آن کشور در امور و مسایل افغانستان را برمی گزیند تا بگونه مؤثری در پروسه صلح آغاز شده در افغانستان سهیم گردد. اعلامیه در مورد به تعویق افکندن مذاکرات یادشده، بویژه پس از ملاقات خلیل زاد در انقره به نشر رسید.

همزمان با آن، در مسکو خبری مبنی بر راه اندازی کنفرانسی با شرکت و سهمگیری نماینده های وزارت امور خارجه روسیه، چین، ایالات متحده و پاکستان بنشر رسید تا با استفاده از چنین فرصتی در مورد مسایل مربوط بحل و فصل قضایای کشور ما به تبادل نظر پردازند. در نشست متذکره، نماینده دولت افغانستان که شامل نماینده های شورای عالی مصالحه و همچنان نماینده کشور قطر بمثابه مهمان افتخاری می باشد، شرکت خوا هند ورزید.

مطابق اظهارات منابع رسمی، در جریان گفتگوها پیشنهاد گردید تا زمینه ها و امکانات تحرک بخشیدن بیشتر به مذاکرات میان افغانی فراهم گردیده، سطح خشونت ها تقلیل حاصل نموده و کاهش قابل ملاحظه ای را در مورد شاهد بوده تا قطع کامل درگیری های مسلحانه در اراضی کشور عزیز را ناظر باشیم. با چنین وضعیتی قادر خواهیم شد تا امکانات و مقدمات حاکمیت مستقل، غیر وابسته و مؤثری را که فاقد هر نوع مظاهر و نشانه های تروریسم و تجارت مواد مخدر باشد، فراهم نمایم.

یکشنبه ۸ ماه حمل سال ۱۴۰۰ خورشیدی